

حرف درشت

گفته‌اند یک کامنت مجاز است



- دیروز باخبر شدیم، گروه داعش «خلافت سایبری» را درباره عملکرد کاربران اینترنتی راه‌اندازی کرده است. به همین منظور شما را با این مقوله بیشتر آشنا می‌کنیم؛
- ۱- داشتن یوزرنیم به شرطی آزاد است که پسورد آن حتما کلمه «آی لاو داعش» یا «عشق من ابوبکر بغدادی» باشد. طبیعی است اگر کسی یوزرنیمش را هم «آی‌لاو داعش ات جیمیل دات کام» بگذارد جزء رستگاران است.
- ۲- بازکردن حساب کاربری و ساختن ایمیل در «یاهو» نه‌تنها مجاز نیست که حرام است و صرفا باید ایمیل منتسب به «خلیفه» باشد.
- ۳- لایک‌کردن در اینترنت مجاز است، به شرطی که مرد، مرد را لایک کند و زن، زن را.
- ۴- گذاشتن کامنت مرد برای زن، اگر به قصد ازدواج و آشنایی بیشتر باشد مجاز است، منتها یکی، چراکه از قدیم گفته‌اند یک کامنت مجاز است.
- ۵- تگ‌کردن محرم، نامحرم را روی هر عکسی، حتی اگر منظره و کوه و دشت باشد کاملا ممنوع است.
- ۶- دایرکت‌دادن به شرطی مجاز است که دایرکت‌دهنده عکس دایرکت خود را + دلایل خود برای ما بفرستد.
- ۷- عکس سلفی به شرطی مجاز است که سلفی نباشد و سلفی باشد. در غیراین‌صورت سلفی‌گیرنده بلاک خواهد شد.
- ۸- سرچ‌کردن در گوگل به شرطی مجاز است که منجر به پیداکردن ما بشود.
- ۹- داشتن هرگونه اپلیکیشن ممنوع است به‌جز اپلیکیشن انتحاری.
- ۱۰- خرید اینترنتی اگر با پرداخت حق‌الداعش باشد ایرادی ندارد، در غیراین‌صورت پول شما از سوی داعش ضبط خواهد شد.
- ۱۱- استفاده از هشتگ # من- داعش- رو- میخوام- بالا توصیه می‌شود.
- ۱۲- شارژ ایرانسل پذیرفته می‌شود.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۵ مرداد ۱۳۹۶ • ۲ ذیقعدہ ۱۴۳۸ • ۲۷ جولای ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۹۲۱ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۳ • اذان صبح فردا ۴:۳۱ • طلوع آفتاب ۶:۰۹

روزنامه‌فرا



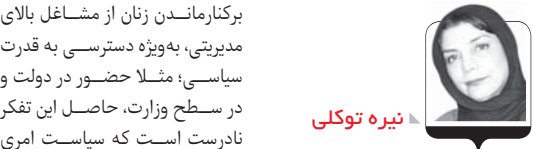
کارتون خواب

ژاپن برای جلوگیری از خودکشی کارگران ساعت های کاری را کاهش می دهد.



مطالبات

جای خالی وزیر زن در کابینه فراجناحی



برکنارنماندن زنان از مشاغل بالای مدیریتی، به‌ویژه دسترسی به قدرت سیاسی؛ مثلا حضور و دولت و در سطح وزارت، حاصل این تفکر نادرست است که سیاست امری

مردانه است و قلمرو سیاسی قلمروی است مختص مردان. چنین تفکری این واقعیت بدیهی را نادیده می‌گیرد که سیاست و اعمال قدرت سیاسی تمام حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی را؛ از صدر تا پایین‌ترین سطوح، در بر می‌گیرد. به سخن دیگر، تأثیرپذیری از سیاست تجربه‌ای است که هرروز در زندگی همگان، از زن و مرد، درگیر آن هستیم. این تجربه از درگیرشدن در روابط بین‌فردی در سطح خانواده آغاز می‌شود و تا ابعاد بین‌المللی ادامه می‌یابد. هیچ حوزه‌ای از زندگی نیست که از سیاست‌های جامعه بزرگ‌تر تأثیر نپذیرفته باشد. در این صورت، چگونه می‌توان پذیرفت که اعمال سیاست یا پیشبرد سیاست امری یک‌طرفه است؟ برای اینکه سیاستی موفق باشد، باید همه شهروندان یک خانواده و محله و شهر و کشور را، به تناسب نیازهای سنی و جنسیتی و عقیدتی و نژادی و قومی و اقتصادی و اجتماعی‌شان، در نظر گرفته باشد، اما برای برآوردن این نیازها نخست باید آنها را شناخت.

امروز، در کشور، با بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زستی، خانوادگی و فساد دستگاه‌های اداری مواجهیم و با سیاست‌هایی ناکارآمد برای رویارویی با این بحران‌ها. بخشی از ناکارآمدی سیاست‌ها به این بازمی‌گردد که شناخت درستی از ریشه‌های بروز بحران‌ها وجود نداشته است. اینکه امروز شهرهای بزرگ ما، به‌ویژه شهر تهران، به فضاهایی شهروندستیز تبدیل شده‌اند که در آنها جایی برای زندگی و حضور ایمن همه شهروندان، به‌ویژه زنان، کودکان، سالمندان و معلولان در نظر گرفته نشده، نشان‌دهنده شناخت نادرست از همه کسانی است که زندگی آنها از سیاست‌های اداره شهر و کشور تأثیر می‌پذیرد. تقسیم‌بندی‌های نادرست، کلی، غیرجامع و مانع افراد و گروه‌های جامعه نیز به شناخت نادرست و سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد دامن می‌زند. وقتی سخن از کابینه فراجناحی می‌شود و این کابینه فراجناحی شامل اصلاح‌طلب و معتدل و اصولگراست، اما جایی در آن برای زنان نیست، زنان در کجا قرار می‌گیرند؟ چرا جناح زنان را در بر نمی‌گیرد؟ آیا آنها اشباحی اثیری‌اند که حضور فیزیکی ندارند، فقط در انتخابات ظاهر و بعد ناپدید می‌شوند؟ آیا این نیمه جمعیت، که فهرست بلندبالایی از زنان توانمند در سیاست و کنشگری‌های مدنی، مراتب علمی، تحصیلی، ورزشی، کارآفرینی و سرپرستی خانوار را بدک می‌کشد، همچنان باید از حضور در مقام‌های وزارتی برکنار بماند؟ آیا وجود آنها با تأثیرگذاری سیاست‌های کلی اداره کشور در زندگی آنها باید نادیده گرفته شود؟ چرا مادری و شغل معلمی برای زنان مناسب و شایسته است، اما سپردن زمام وزارت آموزش‌وپرورش و سیاست‌گذاری‌های آموزشی به دست زنان ناشایست تشخیص داده می‌شود؟ چرا پرستاری و مراقبت‌های پزشکی شایسته زنان است، اما وزارتخانه‌های درگیر سلامت و بهداشت و محیط‌زیست در صلاحیت و شایستگی آنان نیست؟ چرا وقتی که سخن از امتداداری است، به زنان، در مقام رئیس بسیاری از شعب بانک‌ها، اعتماد می‌کنیم، اما همین‌که پای مبالغ بزرگ و بودجه‌ها و صرف بودجه‌ها به میان می‌آید، تصمیم‌گیری را قلمروی صرفا مردانه می‌دانیم؟ آیا امتداداری و وارد بندوبست‌های مالی و فسادشدن، فقط در سطوح پایین لازم است؟ به‌عبارت‌دیگر، فقط باید صندوقداران امتداداری داشته باشیم و دیگر مهم نباشد که صندوق و هزینه‌کردن در سطوح ملی و کشوری را به چه کسانی می‌سپاریم؟ آیا همین باعث نشده که فرهنگ املاک نجومی و اختلاس‌های نجومی و فساد سیستماتیک و بحران محیط‌زستی تبدیل به واقعیت‌های مسلم روزمره زندگی در کشور شود؟

در بسیاری از کشورها، مانند افغانستان و پاکستان، که در آنها سطح سواد و توانمندی‌ها و تخصص‌های علمی و فرهنگی و اجتماعی زنان بسیار پایین‌تر از زنان ایرانی است، سهمیه‌بندی‌های مثبتی به نفع زنان اعمال می‌شود، اما در اینجا سخن این نیست که زنان را به صرف زن بودن و فقط بر اساس سهمیه‌بندی به تصدی وزارت توصیه کنیم؛ بلکه سخن از این‌همه زنان شایسته‌ای است که در همه این سال‌های بحرانی، با وجود همه محدودیت‌ها و تحریم‌ها و تبعیض‌های منفی، همواره به مصالح کشور علاقه نشان داده‌اند، همواره در رویدادهای انتخاباتی و کنشگری‌های مدنی فعال بوده‌اند و با تمام نیرو به میدان آمده‌اند، سازمان‌های حمایت از کودکان کار و خیابان و محیط‌زیستی را اداره کرده‌اند و همواره امیدوار بوده‌اند که حضور پررنگ آنها در قاعده هرم سیاسی و اجتماعی و اقتصادی رنگی هم در بالای هرم پیدا کند. کدام عزم همواره این نیروی به‌میدان‌آمده را سرخورده می‌کند و ناامید از تأثیرگذاری در بهبود اداره سیاسی کشور؟ اگر در کابینه دوم آقای روحانی زنان شایسته و توانمند و کنشگر حضور نداشته باشند، چه‌بسا از دولت «فراجناحی» فقط «فرا» باقی بماند و «فرا» همانی نباشد که همواره فرادست بوده و فرودست‌بودن نصف جمعیت کشور را امری بدیهی به‌شمار آورده است.

پژوهش‌های بین‌المللی نشان داده‌اند که وجود تعادل جنسیتی در مقام‌های بالای مدیریتی نهاده‌ا و نگاه‌های ناگوگان اجتماعی و اقتصادی و سیاست‌گذاری در عملکرد بهتر نهاده‌ا و سازمان‌های اجتماعی تأثیر بسیار مثبتی داشته است. اکنون، با وجود مجلسی‌که اکثریت آن خواهان حضور زنان در کابینه‌اند و زنانی که رای آنان در پیروزی دولت تدبیر و امید انکارناپذیر بوده است، بیش از هر زمان دیگر، موقعیت برای ایجاد چنین تعادلی در نهاد دولت فراهم است. امید است که این امید بر باد نرود.

یادداشت

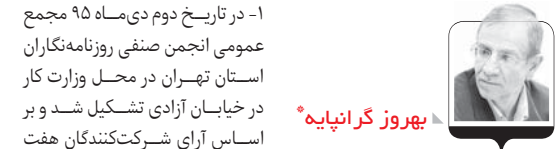
ضرورت وضع قوانین حمایتی علیه خشونت

و در این راستا، تنها راه ارجاع به فضیلت‌های انسانی و مدنی است. اگر از تمدن به‌عنوان یک دستاورد سخن می‌گوییم و نگران آن هستیم که خشونت، روزی بر سر جوامع متمدن ما سایه بیفکند؛ همین تمدن به ما این توان را داده که با وضع قانون‌های سلبی و ایجابی در مسیر حمایت از بخش‌های مختلف جامعه کام برداریم و اجازه ندهیم، قطره‌های کوچک خشونت به سیل‌های بی‌محابا و ویرانگر بدل شوند.

وضع قوانین حمایتی، هزینه خشونت را بالا می‌برد و نگرانی از برخورد‌های قانونی را افزایش می‌دهد. این راهکاری است که می‌توان با کمک آن از میزان بی‌تفاوتی در جامعه هم کاست، چراکه جامعه بی‌تفاوت‌شده در برابر خشونت‌ها، خود آماده برای خشونت‌ی تازه است. بنابراین آنچه به نظر می‌رسد نوشداروی پیش از مرگ کامل سهراب‌های ما باشد، وضع قوانین حمایتی علیه خشونت است تا در چرخه تولید و بازتولید رفتارهای خشن خلل ایجاد کنیم. در چنین شرایطی می‌توان امیدوار بود که وظیفه انسانی خود را نه‌فقط نسبت به هم‌نوع خود، بلکه نسبت به زمان و تاریخ انجام داده‌ایم؛ رسالت حمایت از انسان و انسانیت.

اتفاق

توضیح مختصری درباره انجمنی که ثبت نمی‌شود



۱- در تاریخ دوم دی‌ماه ۹۵ مجمع عمومی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران در محل وزارت کار در خیابان آزادی تشکیل شد و به اساس آرای شرکت‌کنندگان هفت

نفر به‌عنوان هیئت‌مدیره، دو نفر عضو علی‌البدل و نیز دو نفر بازرس و یک بازرس علی‌البدل انتخاب شدند. نتایج انتخابات با حضور نمایندگان اداره کار استان تهران مکتوب و صورت‌جلسه شد. انتخاب هیئت‌مدیره در حالی انجام شد که پیش از آن، افرادی از نامزدی برای عضویت در هیئت‌مدیره منع شده بودند. اداره کار استان تهران باید در مدت یک هفته نامه ثبت انجمن را صادر می‌کرد تا هیئت‌مدیره‌که طبق رعایت مقررات و به صورتی قانونی انتخاب شده بود، امکان فعالیت رسمی پیدا می‌کرد. این امر اما از جانب اداره کار انجام نشد.

۲- سه ماه گذشت. در اسفندماه ۹۵ در تماس‌های شفاهی و حضوری، مقام‌های وزارت کار از لزوم تغییر در فهرست اعضای هیئت‌مدیره سخن گفتند. چهار نفر از اعضای اصلی و یک نفر از اعضای علی‌البدل که منتخب مجمع بودند، باید حذف و دیگری جایگزین می‌شدند.

۳- این اقدام وزارت کار با انتقاد و اعتراض هیئت‌مدیره منتخب مواجه شد. این اعتراض دو دلیل عمده داشت: یک) هیچ دلیل موجه، مستند، مکتوب و قانونی از جانب اداره کار یا مسئولان وزارتی ارائه نمی‌شد. هیئت‌مدیره منتخب خود را موظف به راستی‌آزمایی ادعاها و اظهارات شفاهی می‌دانست و به این منظور اقدام‌هایی را از طریق نمایندگان و سایر نهاده‌ا پیگیری کرد.

دو) سخن ما این است که هیئت‌مدیره منتخب در مقابل مجمع عمومی مسئول است. آنها هیئت‌مدیره را انتخاب کرده‌اند، بنابراین چه به لحاظ قانونی و چه از نظر اخلاقی باید از آرای رای‌دهندگان صیانت کنند. هرگونه تغییر در ترکیب اعضا هیئت‌مدیره منتخب باید با اطلاع، نظر و تصمیم همان مجمع باشد. به عبارت دیگر، تغییرات باید در چارچوب قانون و مقررات تشکیل نهادهای صنفی صورت گیرد و نه بر اساس سلیقه اداره کار. آنچه در این میان اهمیت دارد، رعایت استقلال، شان و شخصیت روزنامه‌نگاران و احترام به آرای داده‌شده در مجمع عمومی است. اگر روزنامه‌نگاران به روند خلاف قانون نن دهند، چطور می‌توانند پرسشگر از نهادهای دیگر برای بی‌قانونی باشند؟

۴- از حدود دو ماه پیش و پس از انتخابات ریاست‌جمهوری و مطرح‌شدن موضوع تغییر کابینه و وزرا، فشار برای تشکیل هیئت‌مدیره به هر شکل افزایش یافته است. این امر اتهامی را متوجه بعضی از اعضای هیئت‌مدیره منتخب کرده است که چرا منافع فردی را رها نمی‌کنید و کنار نمی‌کشید و اجازه ثبت و تشکیل انجمن را نمی‌دهید؟

۵- اما واقعیت چیست؟

تعداد افرادی که اداره کار می‌گوید باید کنار بروند، پنج نفرند: چهار نفر از اعضای اصلی هیئت‌مدیره و یک نفر علی‌البدل. این افراد بارها اعلام کرده‌اند که آمادگی کناره‌گیری و استعفا را دارند و هیچ مشکل یا مقاومتی از این نظر وجود ندارد. مسئله اینجاست که جمع باقی‌مانده اعضای هیئت‌مدیره منتخب و علی‌البدل پنج نفر خواهد شد. درحالی‌که تعداد اعضای هیئت‌مدیره در اساسنامه هفت نفر است. علی‌البدل هم سه نفر قید شده است. با کنارکشیدن افراد این مشکل به‌هیچ‌وجه حل نخواهد شد. زیرا ترکیب لازم برای هیئت‌مدیره، یعنی هفت نفر اصلی و سه نفر علی‌البدل وجود نخواهد داشت و این البته با فرض آن است که افراد باقی‌مانده با وضعیت جدید، تمایلی برای ماندن در ترکیب هیئت‌مدیره داشته باشند.

هیئت‌مدیره منتخب، به مجوز قانونی دارد و نه مایل است با دست‌بردن در ترکیب نهایی روز رازی‌گیری، موجب ورود نامزدهایی به ترکیب هیئت‌مدیره شود که روز مجمع رای لازم را کسب نکرده‌اند.گیر قانونی و اخلاقی؛ نداشتن وکالت رسمی از صنف برای تغییر ترکیب، نداشتن رای کافی اعضای صنف در انتخابات مجمع، سه دلیلی که با اساسنامه مغایرت دارد، مانع پذیرش نظر اداره کار بوده است. این مشکل- اگر قرار بر رعایت قانون و مقررات باشد- صرفا به وسیله مجمع قابل حل است. تا هیئت‌مدیره‌ای منتخب و مورد اعتماد خود روزنامه‌نگاران تشکیل شود.

❖رئیس هیئت‌مدیره منتخب انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران

پیشخوان

«ماهانما فلک» وارد چهارمین سال انتشار شد



معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در پیامی به مناسبت پایان سومین سال انتشار ماهنامه «فلک» و ورود این نشریه به چهارمین سال انتشار، در پیامی، انتشار فلک را «تحسین‌برانگیز» خواند. این ماهنامه در تلاش است به آموزش مباحث اقتصادی و اجتماعی به کودکان بپردازد. فلک در این سال‌ها از سوی شورای کتاب کودک به‌عنوان کیفی‌ترین مجله خردسالان شناخته شده است. تحریریه فلک به بهانه سه‌سالگی این ماهنامه کمیپینی تحت عنوان #مجله_خوان_کوچک را برنامهریزی و درخواست کرده تا برای معطوف‌کردن توجه جامعه، به‌ویژه خانواده‌ها به مسئله مطالعه و اشتراک نشریات، خاطراتشان را از مجلاتی که در کودکی می‌خواندند بنویسند و در دنیای مجازی با #مجله_خوان_کوچک منتشر کنند.

داخلی

۲۹-۳۵۲۷۷۳۰۰ (۰۱۱)

همراه: ۰۹۰۲۵۴۳۶۴۶۶